

"کیفیت تحصیل معرفت الله"

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (4) - امر و خلق، جلد 1

۴ - کیفیت تحصیل معرفت الله

از حضرت بهاء الله در رساله سیر و سلوک هفت وادی است قوله الاحلی: "اول وادی طلب است. مرکب این وادی صبر است و مسافر در این سفر بی صبر بجائی نرسد و بمقصود واصل نشود... مجاهدین کعبه "فینا" به بشارت "لنهدینهم سبلنا" مسرورند و کمر خدمت در طلب بغایت محکم بستهند... شرط است این عباد را که دل را که منبع خزینه الهیه است از هر نقشی پاک کنند و از تقلید که از اثر آباء و اجداد است اعراض نمایند و ابواب دوستی و دشمنی را با کلّ اهل ارض مسدود کنند. و طالب در این سفر بمقامی رسد که همه موجودات را در طلب دوست سرگشته بیند... و این طلب طالب را حاصل نشود مگر بنثار آنچه هست یعنی آنچه دیده و شنیده و فهمیده همه را بنفی "لا" منفی سازد تا بشهرستان جان که مدینه "الا" است واصل شود... و سالک در این سفر بر هر خاکی جالس شود و در هر دیار طلب یار نماید با هر جمع مجتمع شود و با هر سری همسری نماید که شاید در سری سرّ محبوب بیند و یا از صورتی جمال محبوب مشاهده کند."

و از آن حضرت در کتاب ایقان است قوله الاعلی: "الباب المذكور فی بیان ان العباد لن یصلوا الی شاطی بجر العرفان الا بالانقطاع الصّرف عن کلّ من فی السموات والارض قدّسوا انفسکم یا اهل الارض لعلّ تصلنّ الی المقام الذی قدر الله لکم و تدخلن فی سرادق جعله الله فی سماء البیان مرفوعاً."



ORIGINAL

و هم در آن کتاب پس از تفصیل شروط مجاهدت در طریق معرفت چنین مسطور است قوله الاعلی: "و چون بعمل و الذین جاهدوا فینا موید شد بپشتارت لهدینهم سبلنا مستبشر خواهد شد."

و در جواهر الاسرار قوله عز کبریائه: "فاعلم ثم اعرف بان السالک فی اول سلوکه الی الله لابد له بان یدخل فی حدیقة الطلب و فی هذا السفر ینبغی للسالک بان ینقطع عن کلّ ما سوی الله و یغمض عیناه عن کلّ من فی السموات و الارض و لم یکن فی قلبه بغض احد من العباد و لا حب احد علی قدر الذی یمنعه عن الوصول الی مکن الجمال و یقدّس نفسه عن سبحات الجلال و له حقّ بان لا یفتخر علی احد فی کلّ ما اعطاه الله من زخارف الدنیا او من علوم الظاهرة او غیرها و یطلب الحقّ بکمال جدّه و سعیه لعلّبه الله سبل عنایته و مناهج مکرّمته لانه خیر معین بعباده و احسن ناصر لارقائه قال و قوله الحقّ "الذین جاهدوا فینا لهدینهم سبلنا" و فی مقام آخر "اتقوا الله یعلمکم الله."

و از کلمات مکنونه قوله الاعزّ الابهی: "یا ابن الروح فی اول القول املک قلباً جيداً حسناً منیراً تملک ملکاً دائماً باقیماً ازلاً قدیماً."

ایضا در جواهر الاسرار قوله جلّ کبریائه: "لابد للمسافر الی الله و المهاجر فی سبیله بان ینقطع عن کلّ من فی السموات و الارض و یکف نفسه عن کلّ ما سواه لیفتح علی وجهه ابواب العنایة و تهب علیه نسائم العطفة و اذا کتب علی نفسه ما القیناه من جواهر المعانی و البیان لیعرف کلّ الاشارات من تلك الدلالات و ینزل الله علی قلبه سکینة من عنده و یجعله من الساکنین."

و در اثر مبارکی که به "اصل کلّ الخیر" مشهور چنین نازل قوله جلّ جلاله: "رأس کلّ ما ذکرناه لک هو الانصاف و هو خروج العبد عن الوهم و التقلید و التفرس فی مظاهر الصنع بنظر التوحید و المشاهدة فی کلّ الامور بالبصر الحدید."

و از حضرت عبدالبهاء در کتاب مفاوضات است قوله العزیز: "و چون این مقام تحرّی حقیقت است و جستجوی واقع مقامی است که تشنه جان سوخته آرزوی آب حیات نماید ماهی مضطرب بدریا رسد مریض طبیب حقیقی جوید و بشفای الهی فائز شود قافله گمگشته براه حقّ پی برد و کشتی سرگشته و حیران بساحل نجات رسد لهذا طالب باید متّصف بچند صفات باشد اولاً باید که منصف باشد و منقطع از ماسویالله و قلبش بکلّی بافق اعلی توجه کند و از اسیری نفس و هوی نجات یابد زیرا اینها همه مانع است و از این گذشته تحمل هر بلائی لازم است و باید در نهایت تقدیس و تنزیه باشد و از حبّ و بغض جمیع ملل عالم بگذرد چه که یحتمل حبّش بجهتی مانع از تحقیق جهت دیگر شود و همچنین بغض بجهتی

شاید مانع از کشف حقیقت آن شود این مقام طالب است طالب باید باین اخلاق و اطوار باشد و تا باین مقام نیاید ممکن نیست که بشمس حقیقت پی برده."